

به مردم مبارز و قهرمان ایران

هم میهنان ستم کشیده و مبارز! چهارمین کنگره حزب توده ایران گرم ترین دروهای رزمجویانه خود را به شما مردم آزاده و قهرمان ایران تقدیم می کند. نوزده سال پس از پیروزی انقلاب شکوهمند بهمن ماه ۱۳۵۷ که شما در صفوف میلیونی خود توانستید رژیم شاهنشاهی را سرنگون کنید و راه را برای استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی بگشایید، هنوز نه از آزادی خبری هست و نه از عدالت اجتماعی و استقلال میهن نیز روز به روز با اتخاذ سیاست های ضد ملی با مخاطرات زیادی روبرو است.

حاکمان جمهوری اسلامی که با قول تحقق خواست های شما توانستند سکان داری انقلاب را به چنگ آورند، نه تنها به هیچ یک از وعده های خود پایبند نماندند بلکه با خیانت آشکار به اهداف انقلاب بهمن و یورش و تجاوز آشکار به دست آوردهایی که با اینار های کم نظیر شما تحقق یافته بود انقلاب را به شکست کشاندند و امکان تاریخی بزرگی را برای تحول بنیادین جامعه ما به سمت آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و بنا سازی ایرانی پیشرفته و مرفه، از میهن ما دریغ کردند.

نوزده سال پس از انقلاب بهمن، شرایطی که امروز بر جامعه ما حاکم است گویا ترین سند این خیانت رهبران جمهوری اسلامی و ضد مردمی بودن رژیم است که بر ایران حکومت می کند. دست آورد رژیم «ولایت فقیه» برای مردم ما فقر، محرومیت، ظلم و استبداد قرون وسطایی بوده است که جامعه را با بحران همه جانبه اقتصادی - اجتماعی روبرو کرده است. هشت سال جنگ خانمانسوز زیر شعار ضد ملی و ضد مردمی «جنگ جنگ تا پیروزی» و با هدف احیای «امپراطوری اسلامی» صدها هزار کشته، معلول و صدها میلیارد دلار خسارات اقتصادی بر پیکر میهن وارد آورد و علی رغم شعارهای عوام فریبانه «ضد امپریالیستی»، به حضور روزافزون و گسترده امپریالیسم در منطقه خلیج فارس منجر شد.

«دست های پینه بسته» دهقانان و کارگران که قرار بود سند حقانیت تاریخی آن در حاکم شدن بر سر نوشت شان باشد به «بازاریان» و کلان سرمایه داری تجاری و سرمایه داری بوروکراتیک فروخته شد تا باز محرومان جامعه در «کوچ» ها زندگی کنند و «کاخ نشینان» از جمله بخش مهمی از روحانیت حاکم و وابستگان آنان به «برکت» این «دست های پینه بسته» بیش از ۱۱ هزار میلیارد تومان ثروت کشور را در انحصار و اختیار خود قرار دهند.

ظلم و جور استبداد رژیم «ولایت فقیه» در نوزده سال گذشته ابعاد بی سابقه ای داشته است. از سرکوب خشن آزادی ها و حقوق فردی تا کشتار مخالفان و دگر اندیشان در ابعادی که انجام شده است رژیم حاکم بر ایران را در ردیف یکی از جنایتکارترین رژیم های استبدادی سده اخیر قرار داده است. تجاوز آشکار به حقوق زنان و تلاش در راه محروم کردن بیش از نیمی از جامعه از حق کار، حق اشتغال و سایر حقوق انسانی و تحمیل عقاید قرون وسطایی در زمینه حقوق زنان از جمله دیگر عرصه هایی است که شرایط بسیار دشواری را برای مردم ایران فراهم آورده است. امروز بیکاری میلیون ها جوان ایرانی را بدون آنکه چشم انداز روشنی برای آینده داشته باشند به زندگی در دشوارترین شرایط و به انواع و اقسام ناهنجاری های اجتماعی سوق می دهد.

مردم ستم دیده و مبارز ایران!

علی رغم همه سرکوب ها و خون ریزی های رژیم، مبارزه شما برای تحقق شعارهای انقلاب بهمن ۵۷ نه تنها متوقف نگردیده است بلکه در یک روند پویا و دایمی در حال نضج گیری و رشد است. حرکت تاریخی شما در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ که در آن علی رغم همه تمهیدات و تهدید های رژیم و گزندگان چماق دار آن، شما خواست روشن خود را در نفی رژیم «ولایت فقیه» و حرکت به سمت استقرار جامعه مدنی و عدالت اجتماعی اعلام کردید، بار دیگر نشان داد که شما از چه درک روشن سیاسی و از چه روحیه بالای مبارزاتی برخوردار هستید. حزب ما ضمن افشای ماهیت

اسناد چهارمین کنگره حزب توده ایران

عمیقاً ضد دموکراتیک تحمیلی انتخابات، در کنار شما به مبارزه با طرفداران رژیم «ولایت فقیه» پرداخت و در عین حال اعلام کرد که تا این ساختار قرون وسطایی و ضد دموکراتیک برجاست، امید به تحولات بنیادین و پایدار توهمی بیش نمی تواند باشد. تجربه هشت ماهه گذشته درستی این ارزیابی ما را به اثبات رساند و نشان داد که اهرم های اساسی قدرت نه در دست دولت و ریاست جمهور بلکه در هرم «ولایت»، تمرکز یافته است. و بخش اساسی از روحانیت حاکم به هیچ وجه مایل نیست که کوچکترین حرکتی در جهت تحقق خواست های شما در مورد استقرار جامعه مدنی برداشته شود. ما اعتقاد عمیق داریم که مطمئن ترین راه دست یابی به خواست هایی که شما این چنین فداکارانه برای آن مبارزه کرده و می کنید، گسترش هرچه بیشتر جنبش مردمی کنونی و گام نهادن در راه انسجام سازمانی آن در شکل یک جبهه واحد ضد دیکتاتوری است. تجربه انقلاب بهمن ۵۷ و همچنین تجربه دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ نشان داد که توده های عظیم مردم در صورت انسجام و حرکت یکپارچه از توان عظیمی برای تحقق خواست های خود برخوردارند. با درک اینکه «ولایت فقیه» امروز سد راه هرگونه تحولی به جلو می باشد، می بایست توان جنبش را نیز به سمت مبارزه آشکار و علنی با این سد متوجه کرد. «ولایت فقیه» چیزی جز استبداد مطلق آنها در شکلی قرون وسطایی بیش نیست و نباید هیچ گونه توهمی در مورد «رفرم» پذیری آن داشت. مردم ما خواهان حاکم شدن بر سرنوشت خویش هستند و بر جمهوریت حکومت خود پای می فشارند. «ولایت فقیه» تنها اهرم و توجیهی است که روحانیت برای ادامه حاکمیت سیاسی خود در دست دارد. نباید اجازه داد بار دیگر سران حکومتی و طرفداران رژیم «ولایت فقیه» با مانورها و ترفندهای گوناگون جنبش را از مسیر اصلی خود منحرف سازند و راه را برای ادامه حیات حکومت استبدادی حاکم بر میهن ما هموار سازند.

چهارمین کنگره حزب توده ایران
بهمن ماه ۱۳۷۶

به اعضاء و هواداران حزب

رفقای عزیز!

چهارمین کنگره حزب توده ایران دروهای گرم خود را به شما رزمندگان حزب طبقه کارگر ایران، در داخل و خارج از کشور، که در راه رهایی مردم ستمدیده میهن ما از یوغ استبداد قرون وسطایی رژیم «ولایت فقیه» پیکار می کنید، تقدیم می کند. چهارمین کنگره حزب توده ایران در شرایطی بسیار متفاوت از کنگره سوم برگزار شد. حزب دوران دشوار و بحرانی سال های قبل از برگزاری سومین کنگره را که مصادف بود با فروپاشی نظام سوسیالیستی در کشورهای اروپای شرقی و اتحاد شوروی، پشت سر گذاشته و با اتکاء به مبارزه خستگی ناپذیر اعضاء و هواداران خود توانست در شرایط ماهیتاً دگرگون شده ای چهارمین کنگره خود را برگزار کند.

رزمندگان توده ای!

برگزاری چهارمین کنگره حزب توده ایران در پانزدهمین سالگرد یورش وحشیانه رژیم جمهوری اسلامی به حزب ما که در آن به اعتراف ریشهی هزاران توده ای دستگیر و روانه شکنجه گاه شدند، نشانگر استواری و دلاوری کم نظیر توده ای ها در پافشردن بر اصول و اعتقادات خود حتی در دشوارترین شرایط ترور و اختناق است. حیدر مهرگان (رحمان هاتفی) با خون بر دیوارهای اوین نوشت «راه همان است که من رفتم» و سیمین فردین (فاطمه مدرسی) در زیر فشار توپین و شکنجه گران، مقاومت اسطوره ای از خود نشان داد و دژخیمان رژیم «فقها» را به زانو در آورد. مبارزه بی امان توده ای ها ادامه دارد. پرچم خونین و پرافتخار حیدر عموغلی از دست ارانی به روزه و سیامک می رسد و در دوران سیاه اختناق پهلوی بر دوش حکمت جو ها و تیزابی ها حمل می گردد و در فردای یورش به حزب توده ایران در رژیم جمهوری اسلامی از دست مهرگان ها، کی منش ها و سیمین فردین ها به نسل بعدی سپرده می شود.

توطئه های گوناگون رژیم جمهوری اسلامی، از دستگیری و سرکوب وسیع تا شوهای تلویزیونی رهبران در هم شکسته و سپس کشتار جمعی و هدفمند گروهی از بهترین و شایسته ترین رهبران، کادرها و اعضاء حزب علی رغم لطمات هولناک بر پیکر حزب قادر نیست حزب توده ها، حزب کارگران و زحمتکشان را از پای در آورد. هدف روشن است. بی اعتبار کردن جنبش کارگری و کمونیستی و خشکاندن ریشه های عمیق اجتماعی حزب ما در درون جامعه. و درست به همین علت است که رژیم علی رغم کشتار صدها توده ای هنوز با تمام توان به توطئه علیه حزب ما ادامه می دهد و می کوشد با «تاریخ نویسی» های گوناگون، حزب را یک حزب بیگانه ساخته معرفی و مبارزات آن را در طول بیش از ۵۶ سال حیاتش تخطئه و تحریف کند. درست کردن «حزب توده» ای که در راه «جمهوری اسلامی» گام بردارد و نقش اسب تروا را در درون جنبش خلق ایفاء کند، از جمله اهداف دیگری است که رژیم در سال های اخیر دنبال کرده است. ایجاد امکانات وسیع برای توپین آزاد شده از زندان، از چاپخانه تا استودیوهای فیلم سازی و یورش بی امان تبلیغاتی به حزب و رهبری آن و خصوصاً حمله به سیاست پیروزمند «طرد رژیم ولایت فقیه» که بلندگویان تبلیغاتی رژیم آن را «خانمانسوز»، «ضد مارکسیستی» و ... معرفی کرده و آتش توپخانه سنگین تبلیغاتی خود را علیه آن گشوده اند، نشانگر نگرانی عمیق رژیم از سیاست حزب ما و پاکرفتن گسترده آن در میان افشار وسیع جامعه است.

رفقا! این افتخار حزب ماست که نخستین سازمان سیاسی کشور بود که با بررسی همه جانبه و علمی شرایط کشور مسأله مبارزه علیه «رژیم ولایت فقیه» را به مثابه مهمترین وظیفه نیروهای ملی و آزادی خواه در شرایط کنونی طرح کرد و امروز پس از گذشت نزدیک به هشت سال، درستی این شعار نه تنها در میان نیروهای چپ و ملی بلکه در میان بخش های مهمی از نیروهای مذهبی نیز مورد قبول واقع شده است.

امروز با گسترش همه جانبه مبارزه و در شرایطی که توده های میلیونی خلق در انتخابات ریاست جمهوری رژیم نمایان آشکار خود را به نفی «ولایت فقیه» و حرکت به سمت استقرار آزادی، جامعه مدنی و عدالت اجتماعی اعلام می کنند و در شرایطی که استبداد حاکم همه توان خود را به کار گرفته است تا سد راه هرگونه تحولی هرچند سطحی گردد، کمتر

اسناد چهارمین کنگره حزب توده ایران

نیرویی را می توان یافت که به این درک نرسیده باشد که با وجود ادامه رژیم «ولایت فقیه» نمی توان به حرکت برای استقرار آزادی، امیدوار بود.

رزمندگان توده ای!

با گسترش همه جانبه مبارزه علیه رژیم «ولایت فقیه» وظیفه حساس و سرنوشت سازی بر دوش همه نیروهای پیشروی جامعه قرار گرفته است. شرایط طلب می کند که جنبش روبه رشد توده ها را سازمان دهی کرد. اعتصاب ها و اعتراض های کارگری را با مبارزه زنان و بیکار جوانان و دانشجویان به هم پیوند زد و در مقابل رژیم استبدادی حاکم جبهه واحد ضد دیکتاتوری را بنا نمود. چهارمین کنگره حزب توده ایران با چنین درکی است که بار دیگر تمامی نیروهای ملی و آزادی خواه کشور را به اتحاد و یگانگی عمل در مقابل رژیم استبدادی حاکم فرا می خواند.

چهارمین کنگره حزب توده ایران اطمینان دارد که توده ای ها پایبند به سنن افتخار آفرین هفتاد ساله جنبش کارگری و کمونیستی ایران بار دیگر قادر خواهند بود تا نقش شایسته و مهم خود را در شرایط حساس کنونی ایفاء کنند و راهگشای مبارزه ای باشند که به استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی منجر گردد. تقویت هرچه بیشتر صفوف حزب، حفظ انسجام تشکیلاتی و تلاش در گسترش هرچه بیشتر مبارزه از جمله وظایف درنگ ناپذیری است که توده ای ها در هر کجا که باشند در راه تحقق آن لحظه ای درنگ نخواهند کرد.

درد پرشور بر خاطرۀ تابناک شهدای توده ای و دیگر شهدای راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی!

زنده باد حزب توده ایران، حزب طبقه کارگر، دهقانان و محرومان!

چهارمین کنگره حزب توده ایران
پهمن ماه ۱۳۷۶

به کارگران و زحمتکشان کشور

کنگره چهارم حزب توده ایران رزمجویانه ترین دروهای خود را به طبقه کارگر قهرمان و زحمتکشان میهن که در شرایط حاکمیت ارتجاع سیاه ولایت فقیهی و سرکوب پلیسی، درگیر پیکاری تحسین انگیز برای استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی در کشور هستند، تقدیم می کند. حزب توده ایران در مقام حزب پیشاهنگ طبقه کارگر- حزب مسلح به بینش علمی و انقلابی مارکسیسم لنینیسم - حزبی که در مدت بیش از ۵۶ سال حیات خود پیگیرانه در دفاع از منافع طبقه کارگر کشور مبارزه کرده و در این مسیر هزاران قربانی داده است - در لحظه لحظه تاریخ پر فراز و نشیب با پایداری و ایثار در راه ایفای وظیفه مهم تاریخی خود یعنی برافراشته نگاه داشتن پرچم مبارزه، برای خواست های دور و نزدیک توده زحمت رزمیده است.

حزب توده ایران با اعتقاد اصولی به حقانیت و انقلابی بودن طبقه کارگر- رسالت خود را مبارزه در راه پایه ریزی جامعه ای آرمانی می داند که در آن استثمار و بهره کشی ریشه کن شده و ثمرات مادی و معنوی زحمت شما نیروی کار در خدمت تعمیق و گسترش دستاوردهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جامعه قرار داده شده باشد. ما بر این باور هستیم که طبقه کارگر و زحمتکشان همچنانکه در دیگر مقاطع سرنوشت ساز حیات میهن کهن سالمان - همچون انقلاب مشروطه - جنبش ملی شدن صنعت نفت و انقلاب بهمن نشان داده اند- در مبارزه مردم ایران برای رهایی از قید حاکمیت رژیم «ولایت فقیه» و استقرار دموکراسی و عدالت اجتماعی نقش کلیدی را ایفا خواهند کرد. این حقیقت را، که از همان لحظات آغازین حاکمیت برآمده از انقلاب، طبقه کارگر در مبارزات بغرنج و چند سویه با مرتجعینی که قصد استقرار حکومتی واپسگرا- استثمارگر و سرکوبگر را داشته اند درگیر بوده است هیچ تاریخ نویس بی غرضی نمی تواند نادیده بگیرد. مبارزه شما کارگران برای اداره شورایی کارخانه ها و موسسه های باز مانده از سرمایه داران فراری در ابتدای انقلاب با مبارزه شکوهمند و متشکل شما علیه قانون کار ارتجاعی ادامه یافت و در جنبش مخالفت شما با جنگ بی حاصل و فاجعه آمیز هشت ساله که نتایج شوم آن برای کارگران و زحمتکشان تا دهه ها باقی خواهد ماند، تبلور توده ای یافت. در سال های پس از جنگ، مبارزه شکوهمند شما علیه اثرات سیاست های تعدیل ساختاری و کاربردی نسخه های تجویز شده از سوی نهاد های امپریالیستی نظیر صندوق بین المللی پول و بانک جهانی- در پیوند با پیکار دیگر اقشار مردم برای دموکراسی و عدالت اجتماعی توانسته است پیروزی های قابل توجهی را در عقب راندن ارتجاع حاکم و بازپس گیری مواضع جدیدی برای جنبش مردمی به بار آورد. این حقیقت که در طول دو سال اخیر خیزشی نوین و گسترشی چشمگیر را در مبارزات صنفی و حق طلبانه طبقه کارگر ایران شاهد هستیم گواهی است بر این مدعای ما و نشانه ای است روشن از وارد شدن جنبش خلقی ضد رژیم «ولایت فقیه» به مرحله نوینی که طبقه کارگر متشکل نقش مهمی را در آن ایفا می کند. ما به مبارزات کارگران دلاور بنزخاور و نفتگران قهرمان کشور که با اعتصاب شکوهمند خود در آذر ماه و بهمن ماه ۷۵ انظار جهانیان را باریگر به صحنه مبارزه کارگران آگاه میهن ما متوجه ساختند، به دیده تحسین می نگریم. ما مبارزه کارگران زحمتکش پارچه بافی های اصفهان، کارگران مجتمع کارخانه های کفش ملی و دیگر کارگران و زحمتکشانی را که علیرغم تهدیدات جانی و مالی و کاری به مقابله با ارتجاع و سرمایه داری جنایت پیشه پرداخته اند، می ستاییم. در این مبارزات اعضا و هواداران حزب توده ایران شانه به شانه شما کارگران و زحمتکشان کشور قرار داشته و بر پیروزی ها و شکست های شما سهمیم بوده اند. مبارزه شما و نضج گیری دوره اخیر مبارزات کارگری قانونمند و بر راستای این برداشت دقیق و علمی است که ادامه رژیم «ولایت فقیه» بیش از همه به طبقه کارگر میهن مان لطمه وارد می کند.

ثمره حاکمیت ارتجاعی در سالیان اخیر- نبود یک سیاست مدون صنعتی- اقتصادی، بحران ارزی، انزوای بین المللی، قروض دهها میلیارد دلاری به بانک های سرمایه داری، تعطیل کارخانه ها، بیکاری توده ای و ممانعت خشن از برپایی تشکل های واقعی و مستقل طبقه کارگر بوده است. مطمئناً در صورت عدم تغییر جهت گیری اقتصادی - اجتماعی

اسناد چهارمین کنگره حزب توده ایران

کشور، میهن ما باید در انتظار نتایج فاجعه بار دیگری باشد. چهارمین کنگره حزب توده ایران بر این اعتقاد است که تنها راه برون رفت جامعه از بحران کنونی استقرار دموکراسی و جامعه مدنی است که شرایط اجتماعی لازم را برای فعالیت بارآور و آزاد احزاب سیاسی مترقی و سندیکاهای مستقل کارگری فراهم می نماید، تدوین و اعمال سیاست های پیشرفته و بارآور اقتصادی و اجتماعی را ممکن می سازد و شرایط بازگشت صدها هزار متخصص، دانشمند و تحصیل کرده ایرانی مقیم خارج را که هیچ گناهی جز عدم تمکین به حاکمیت ارتجاع نداشته اند، فراهم می کند. لازمه پی گرفتن چنین مهمی واپس زدن یکپارچه و صریح مسبب عمده بحران اجتماعی کشور یعنی رژیم «ولایت فقیه» است. تا زمانی که «ولایت فقیه» به مثابه خشن ترین تجلی حاکمیت دیکتاتوری فردی به نیابت ساختگی و خودگمارده از جانب خداوند مانع اصلی اعمال اراده توده ها و حاکمیت قانون برخاسته از خلق، بر ساختار حکومتی حکمفرماست، سخن گفتن از امکان تحول واقعی، ریشه دار و پایدار نمی تواند زمینه های عینی بیابد.

پیروزی بدعت آفرین و راه گشای توده ها در انتخابات ریاست جمهوری در ۲ خرداد ماه در ثبت "نه" تاریخی به رژیم «ولایت فقیه» و شکست نماینده سیاه اندیش آن نقطه عطفی مهم در مبارزاتی است که طبقه کارگر سهم عمده ای در آن داشته و خواهد داشت. به باور حزب توده ایران اکنون زمان آن فرارسیده است که به موازات کوشش جهت اتحاد گسترده مردمی برای رودررویی با دیکتاتوری «ولایت فقیه»، مبارزه هدفمندی را جهت سازماندهی مشخص مبارزات خلق و ایجاد نهاد های ضرور برای تضمین تداوم، ارتباط منطقی و گسترش جنبش پایه ریخت. کنگره چهارم حزب توده ایران بر این اعتقاد است که ایجاد تشکل های وسیع اجتماعی و صنفی جهت طرح خواست ها و شعارهای مشخص صنفی-سیاسی زحمتکشان گام اساسی در جهت تدارک مرحله بعدی و تعیین کننده مبارزه است. طبقه کارگر ایران با مبارزه در راه ایجاد نهاد های صنفی و کارگری و گستردن مبارزه در جهت خواست های مشخص خویش، می تواند این مهم را که جنبش همه خلقی برای دموکراسی و عدالت اجتماعی، خواست های عمده طبقه کارگر را در صدر برنامه های خود قرار دهد، تضمین نماید.

چهارمین کنگره حزب توده ایران دگرباره عهد تاریخی خود را با طبقه کارگر میهن ستمدیده مان که توده ای ها در مبارزات دشوار و بغرنج آینده در کنار آنان و در جهت منافع آنان خواهند رزمید تجدید می کند. ما از دیرباز آمادگی خود برای شرکت آگاهانه، برنامه ریزی شده و پایداری در این مبارزه را اعلام کرده ایم. آینده به سوسیالیسم تعلق دارد. ما کارگران و زحمتکشان میهن را فرا می خوانیم تا برای مبارزه هدفمند، به حزب مبشر آینده عدالت خواهانه و سوسیالیستی جامعه بشری- به حزب طبقه کارگر ایران- حزب توده ایران، بپیوندند.

کنگره چهارم حزب توده ایران
بهمن ماه ۱۳۷۶

اسناد چهارمین کنگره حزب توده ایران

پیام چهارمین کنگره حزب توده ایران

زنان آزادی خواه ایران!

در آستانهٔ خجسته سالروز هشتم مارس، روز جهانی زن، روز تجدید عهد با آرمان های والای برابری حقوق زن و مرد و رهایی زنان از زنجیرهای ارتجاع و واپسگرایی، گرم ترین دروهای ما را بپذیرید. مبارزات حق طلبانه و پیگیر شما زنان ایرانی در طول چندین دهه تاریخ اخیر پیکاری است بی امان و قهرمانانه که علی رغم همه فشارها، سرکوب و اختناق ادامه یافته است و نشان دهندهٔ نقش برجستهٔ شما زنان در جنبش مردمی و ضد استبدادی میهن ماست.

نقش تحسین برانگیز و حساس زنان در سنگرهای انقلاب بهمن ۵۷ تأثیر قاطع و بسزایی در پیروزی جنبش مردمی داشت و نشان داد که زنان میهن ما به عنوان یکی از گردان های مهم جنبش رهایی بخش مردم آماده اند تا نقش و مسؤولیت تاریخی خود را با شایستگی به انجام رسانند. زنان محروم و ستمدیدهٔ میهن ما در فردای پیروزی انقلاب امیدوار بودند که گام های اساسی در راه تحقق حقوق انسانی پایمال شدهٔ آنان برداشته شود. ولی متأسفانه نه تنها در این راه گامی برداشته نشد، بلکه رژیم «ولایت فقیه» به خشن ترین شکل ممکن به وضع قوانین قرون وسطایی و تحدید جدی حقوق و آزادی های فردی و اجتماعی زنان در سطوح مختلف پرداخت. هدف، خارج کردن زنان از صحنه مبارزه، به گوشه راندن و تحقیر شخصیت فردی، سیاسی و اجتماعی آنان بود.

زنان ستمدیدهٔ ایران!

علی رغم ظلم هایی که بر شما رفته است، علی رغم تصویب قوانین ارتجاعی همچون سلب حق طلاق از زنان و عدم حق برخورداری از سرپرستی کودکان پس از جدایی، قوانین تعزیرات اسلامی از جمله سنگسار، طرح جدا سازی جنسی، حجاب اجباری و ... شما با مبارزهٔ پیگیر و قهرمانانه خود نشان داده اید که حاضر نیستید در مقابل استبداد سر تسلیم خم کنید و از نبرد خود علیه ستم دوگانه جنسی - اجتماعی دست بردارید. کارنامهٔ پرافتخار زنان مبارز در زندان های قرون وسطایی رژیم، علی رغم همه شکنجه های طاقت فرسا و ضد انسانی و مقاومت اسطوره ای زندانیان سیاسی زن، گرمی بخش مبارزه و باعث انسجام، استحکام و بالا رفتن روحیهٔ انقلابی جنبش زنان میهن ما بوده است.

تجربهٔ نوزده سال گذشته نشان داده است که رژیم «ولایت فقیه» یک رژیم ضد مردمی و ضد تحقق حقوق زنان است که در تمامی عرصه ها حقوق انسانی زنان میهن ما را زیر پا گذاشته است. مبارزه علیه این سیاست ها و تلاش در راه وادار کردن رژیم به عقب نشینی و قبول خواست های جنبش زنان میهن ما، تنها در پرتو تشدید مبارزه، بالا بردن سطح آگاهی اجتماعی و به هم پیوند زدن مبارزات پراکنده در گوشه و کنار کشور است. نقش برجسته و تاریخی زنان در جریان انتخابات دوم خرداد ماه که در آن نمایندهٔ ارتجاع، واپسگرایی، و سرکوب هر چه بیشتر حقوق زنان علی رغم همه تمهیدات انجام گرفته با شکست فاحشی روبرو گردید نشان داد که صفوف مشترک و سازمان یافته توده ها با شعارها و خواست های مشخص از چه توان و نیروی عظیمی برخوردار است.

زنان زحمتکش، مبارز و آگاه ایران!

حزب تودهٔ ایران، در مدت بیش از پنجاه و شش سال پیکار خویش همواره در راه احقاق حقوق زنان میهن ما، در راه دست یابی زنان به حقوق برابر با مردان مبارزه کرده است و افتخار می کند که در این راه مصدر خدمات مهمی بوده است. روند رویدادهای کشور نوید دهندهٔ آغاز دوران بر تلاطم و حساسی در تاریخ میهن ماست. با اتحاد آهنین، با گسترده تر کردن مبارزه صنفی - اجتماعی در عرصه های گوناگون و با پیوند زدن این مبارزات به جنبش عمومی خلق است که می توان امیدوار بود راه تحولات بنیادین، دموکراتیک و پایدار به سمت استقرار آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی جامعه ما گشوده شود.

دروود بی پایان کنگرهٔ چهارم حزب تودهٔ ایران بر زنان زحمتکش و رنج دیدهٔ ایران
بهمن ۱۳۷۶

+

-

به زندانیان سیاسی، خانواده شهدا و

کنگره چهارم حزب توده ایران درودهای پرشور و آتشین خود را به شما عزیزان، مبارزان ثابت قدم راه آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی تقدیم می کند. شما، زندانیان سیاسی و خانواده شهدا و زندانیان سیاسی در یکی از تاریک ترین فصول تاریخ معاصر میهن کهن سال ما، درفش پیکار و پایداری را در مقابل مرتجعان حاکم بردوش کشیدید و علی رغم تحمل محرومیت ها و حرمان های اجتماعی بسیار همچنان به آرمان های مردمی خود وفادار مانده اید. تاریخ میهن ما و نسل های آینده به این پایداری و استواری اسطوره ای به دیده احترام نگریسته و این حماسه در قلب مردم و تاریخ مبارزات رهایی بخش میهن ما جاوید و ماندنی است. رژیم واپسگرای «ولایت فقیه» با خیانت به منافع مردم و آرمان های والای انقلاب شکوهمند بهمن ۱۳۵۷ و با بند کشیدن و سپس اعدام هزاران تن از مبارزان و آزادی خواهان کشور، می خواهد پایه های لرزان حکومت استبدادی و مردم ستیز خود را تحکیم کند.

بر رغم هزاران اعدام و هزاران زندانی سیاسی اسیر، رژیم همچنان در بی ثباتی بیش از پیش غوطه ور است و امروز تنها به زور سر نیزه و اختناق است که توانسته است ادامه حاکمیت خود را تأمین کند. ولی همان طوری که انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نشان داد دیر یا زود توده های جان به لب رسیده خواهند شورید و طومار این رژیم ضد مردمی و جنایتکار را در هم خواهند نوردید.

شکست سنگین رژیم «ولایت فقیه» در انتخابات دوم خرداد ماه و اوج گیری جنبش توده ها در گوشه و کنار کشور در ماه های اخیر نوید دهنده آغاز دوران نوینی در مبارزه توده ها علیه رژیم استبدادی حاکم است. شامگاه تیره استبداد در میهن ما پایدار نخواهند ماند و دیری نخواهد پایید که سپید دم آزادی طلوع کند و آنگاه است که توده های میلیونی خلق در فردای سعادت مند و خجسته آزادی از فرزندان شایسته و اپنارگر خود آنچنان که بایسته و سزاوار است تجلیل کنند.

گرامی باد خاطره تابناک شهدای قهرمان توده ای!

درود بر خاطره همه شهدای خلق!

درود آتشین به زندانیان سیاسی قهرمان و خانواده شهدا و زندانیان سیاسی!

به جوانان و دانشجویان

جوانان و دانشجویان مبارز ایران! چهارمین کنگره حزب توده ایران به شما نیروی بالنده و پیکارجوی میهن در بندمان که در یکی از تاریک ترین دوران های حکومت استبدادی حاکم بر ایران پرچم نبرد علیه ارتجاع، واپسگرایی و اختناق را برافراشته اید درود می فرستد. تجربه مبارزه تاریخ معاصر کشور ما و ده ها کشور دیگر علیه استعمار، امپریالیسم و استبداد نشان داده است که مبارزه جوانان و دانشجویان بخش مهمی از پیکار عمومی خلق در راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی است و از این رو است که نیروهای ستمگر همواره به جوانان و دانشجویان به عنوان یک خصم جدی نگریسته و از تمام توان خود برای سرکوب جنبش های دانشجویی بهره جسته اند.

در میهن ما نیز همواره چنین بوده است. هنوز خون دانشجویان دلاور توده ای - مصدقی، شهدا بزرگ نیا، شریعت رضوی و قندچی که در ۱۶ آذر ۱۳۳۲، شعار «اتحاد، مبارزه، پیروزی» را سر دادند، بر سنگفرش ها خشک نشده است و هنوز طنین این شعار لرزه بر اندام گزندگان ارتجاع و استبداد می اندازد. سنگرهای انقلاب بهمن و شرکت وسیع و گسترده دانشجویان در نبرد برای سرنگونی رژیم ستم شاهی نمونه درخشان دیگری از اهمیت و رزمندگی جوانان و دانشجویان میهن ما در تاریخ معاصر ایران است.

۱۹ سال پس از پیروزی یکی از شکوهمند ترین انقلاب های خلقی قرن اخیر، جوانان و دانشجویان میهن نه تنها به هیچیک از خواست های خود دست نیافته اند بلکه هدف یکی از خشن ترین سرکوب های تاریخ معاصر میهن ما نیز بوده اند. پاکسازی وسیع دانشگاه ها، بستن مراکز آموزشی و دستگیری، شکنجه و اعدام صدها مبارز جوان با هدف سرکوب جنبش جوانان و دانشجویان میهن ما به شدیدترین شکلی دنبال شد و علی رغم همه ضربات و ضایعات نتوانست در اراده جنبش دانشجویی کشور خللی وارد آورد.

امروز در ایران به دلیل سیاست ها و عملکردهای ضد مردمی رژیم «ولایت فقیه»، بحران عمیق اجتماعی - اقتصادی کشور رافرا گرفته است. دهها هزار انسان مجهز به تجربه کارهای تولیدی، صدها هزار جوان تحصیل کرده و در مجموع میلیون ها ایرانی در بیکاری، فقر و محرومیت بسر می برند و ناچارند برای تأمین یک زندگی حداقلی برای خود به دشوارترین کارها در شرایط طاقت فرسا تن دهند.

امروز دیگر بر کسی پوشیده نیست که روند بیکاری، نابسامانی و نیز فاجعه اجتماعی - اقتصادی کنونی پیامد روشن سیاست های ضد خلقی و تبهکارانه رژیمی است که تنها به منافع خود برای ادامه حکومت به هر قیمتی می اندیشد. جوانان و دانشجویان آگاه و مبارز!

علی رغم سال ها سرکوب، اختناق، پیگرد، شکنجه و اعدام، شما نشان داده اید که حاضر نیستید در مقابل استبداد و ارتجاع حاکم از مواضع خود عقب نشینی کنید و دست از مبارزه بردارید. نقش فعال و پرشور جوانان در ماه های اخیر، خصوصاً در جریان برگزاری انتخابات دوم خرداد ماه و شکست فاحش نماینده رژیم «ولایت فقیه»، علی رغم همه تمهیدات و شرایط تحمیل شده نشانگر نقش مهم و حساس شما در نبرد حساس کنونی برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی در میهن ماست. در ماه های پس از انتخابات، دانشگاه های کشور یکی از سنگرهای مهم پیکار علیه ارتجاع، استبداد و انحصارگرایی بوده است. نبرد دانشجویان با گزندگان رژیم، با چماق داران «حزب الله» و «انصار حزب الله» و حرکت آگاهانه و روشن به سمت انسجام بخشیدن به صفوف جنبش دانشجویی و تدقیق شعارهای مبارزاتی آن در شرایط کنونی نشانگر هوشیاری و سطح بالای آگاهی جنبش دانشجویی و جوانان میهن ماست.

ما اعتقاد عمیق داریم که جنبش دانشجویی و جوانان کشور باردیگر از این آزمون تاریخی سربلند بیرون خواهد آمد. به گمان ما پیوند زدن مبارزه جوانان و دانشجویان، با کارگران و زحمت کشان و انبوه میلیونی توده های ناراضی از ادامه استبداد «ولایت فقیه» کلید مبارزه برای گشودن راه به سمت تحولات اساسی، پایدار و دموکراتیک در میهن ماست.

اسناد چهارمین کنگره حزب توده ایران

حزب توده ایران مفتخر است که در طول بیش از ۵۶ سال مبارزه بی امان خود همواره در راه تحقق خواست ها و آرمان های جوانان و دانشجویان کشور مبارزه کرده و توانسته است نقش بسزایی در روشنگری و سازمان دهی جنبش دانشجویی و جوانان میهن ما ایفاء کند.

بیایید دست در دست هم جبهه واحد ضد دیکتاتوری را در مقابل جبهه واحد ارتجاع و استبداد و رژیم قرون وسطایی و ضد مردمی «ولایت فقیه» بنا کنیم و گام مهم نخست را در راه طرد این رژیم استبدادی و استقرار آزادی و عدالت اجتماعی برداریم. آینده از آن جوانان، دانشجویان و تمامی نیروهایی است که در راه آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی مبارزه می کنند.

چهارمین کنگره حزب توده ایران
بهمن ماه ۱۳۷۶

با احترام به سخن سرایان و هنرمندان ایران - سازندگان وجدان ملت ما و جامعه بشری

دشمنی و کینه چرکین استبداد، جهل و خرافه با شما، سابقه ای دیرینه دارد. سخن سرایان و هنرمندان انقلاب مشروطه ناله مرغ سحر خوان آرزوهای ملت رنج کشیده ما را به ترنم آوردند، و در طول سلطنت استبدادی پهلوی، پس از آن نیز، با وقفه ای کوتاه از پس انقلاب بهمن، مرغ خوشخوان سحری با حنجره ای خون چکان در دل مردم ما همچنان ناله سر می دهد و بشارت آزادی می دهد. شب سیاه کور و عبوس سانسور و اختناق جمهوری اسلامی، صیحه جغدان بر ویرانه های میهن می گستراند، و روح ملت محروم را به تیغ جور می خراشد و یأس و حرمان می آفریند.

سخن وران و آفرینش گران آثار هنری!

شما با قلم هایتان بر پوست تبهگن این شب سیاه استبداد همچنان زخم می زنید و خونچرک عفن آن را زیر گام های فرآینده روز آزادی می ریزید. کینه ورزان به اندیشه و هنر شما، افشا شدگان توسط حقیقت هنرمندانه شما، انتقام حماسه های فردوسی، رندان عالم سوز حافظ که مصلحت نمی جویند و انسان در حال شدن مولانا را از شما می خواهند بستانند. شما را می ستائیم که با آفرینش یک داستان، یک شعر، یک قطعه موسیقی، یک پرده نقاشی، یک عکس و یک صفحه از زندگی چه بر نوار فیلم و چه بر صحنه تئاتر و یک تندیس، خواب این جهان خواره آرمند فرتوت را بر می آشوبید. شما را می ستائیم که چراغ اندیشه، زیبایی و عشق را برافروخته داشته اید تا روشنایی راه تیره و سنگلاخ آگاهی و بهروزی ملت ما باشد. چه بسیار از شما که برای کلام، اندیشه و انگاره خودتان از هستی و زیست در میهنی تلخ و پریشان و فقرزده زیر رژیم «ولایت فقیه» چه بسیار شکنجه و زندان و مرگ و دسیسه به تن خویش آزموده اید، و همچنان نیز آماج تبهکاری گزمگان سرکوب «ولی فقیه» هستید.

کنج خانه هاتان کاویده شده است، دست نوشته هایتان به یغما رفته است، کتابخانه هایتان سوزانیده شده است، قلم هایتان شکسته شده است، سازهاتان از نوا افتاده است، فیلم هاتان قیچی شده است، نقاشی هایتان دریده شده است، تالارهای نمایش به روتان بسته مانده است تا تصویری، نغمه ای، قصه ای و واژه ای به گوش، چشم و دل هنر پذیرانتان، این ملت محروم از ابتدایی ترین حقوق انسانی خود، نرسد. امروز هر حکایت تان چشم اندازی ست، هر شعر تان آفتابی ست، هر نغمه تان نسیم بهاری ست، هر فیلم تان دیدگان بصیرتی ست از برای مردم میهن ما، این میهن به رنج و محنت در افتاده.

کنگره چهارم حزب توده ایران با احترام به شما فرهنگ سازان، اندیشه ورزان و آفرینش گران آثار هنری که در تیره ناک ترین دوران حیات ملت ما و در یکی از اختناق آمیز ترین وضعیت های فرهنگی و هنری جامعه، با مایه از هستی و روح خویش و تحمل طاقت فرسا ترین شکنجه های روانی، کار خلاق و روشنگرانه خویش را پی می گیرید، درود و سلام گرم می فرستد.

به نیروهای آزادی خواه و

دوستان گرامی!

چهارمین کنگره حزب توده ایران دست همه نیروهای مترقی و آزادی خواه میهن را که در راه آزادی، دموکراسی، استقلال و عدالت اجتماعی می رزمند به گرمی می فشارد و باردیگر همه آزادی خواهان و نیروهای ملی و دموکراتیک را به اتحاد عمل و مبارزه مشترک فرا می خواند.

امروز با توجه به تحولات پر شتاب و مهمی که در میهن ما در حال شکل گیری است نقش و تأثیر گذاری نیروهای مترقی اهمیت ویژه ای دارد. شکل گیری یک آلترناتیو مترقی در مقابل رژیم «ولایت فقیه» خواست مهم و اساسی است که جنبش مردمی میهن ما از عدم وجود آن لطمه می بیند. چهارمین کنگره حزب توده ایران با ارزیابی شرایط کشور بر این عقیده است که امروز مبارزه علیه استبداد و ارتجاع حاکم وارد مرحله نوینی شده است. جنبش سال های سکون نسبی خود را پشت سر گذاشته است و حرکت های اعتراضی و پراکنده توده ها هر روز ابعاد وسیع تر و گسترده تری به خود می گیرد. پیروزی تاریخی مردم در دوم خرداد ماه ۱۳۷۶ و «نه» تاریخی توده ها در مخالفت آشکار با ادامه رژیم «ولایت فقیه» نشانگر خواست روشن توده ها مبنی بر تغییر بنیادین شرایط کنونی و حرکت به سمت استقرار جامعه مدنی، آزادی و عدالت اجتماعی بود. تجربه دوم خرداد همچنین نشان داد که علی رغم استبداد حاکم و ادامه جو ترور و اختناق، توده ها با توجه به شرایط تحمیلی به شکلی خلاق از همه امکانات موجود به نفع مبارزه خود بهره می جویند و بیش از پیش آماده اند تا در مقابل ارتجاع حاکم ایستادگی کنند.

دوستان گرامی،

حزب توده ایران معتقد است که باید در مقابل جبهه طرفداران ارتجاع، واپسگرایی و استبداد، جبهه متحدی از نیروهای مترقی و آزادی خواه علیه دیکتاتوری را با برنامه واحد و روشن برای آماده ساختن زمینه جهت تحولات بنیادین در ایران ایجاد کرد. چنین جبهه ای تنها ضامن واقعی دست یابی به آزادی ها و حقوق دموکراتیکی است که اکثریت قاطع مردم میهن ما خواهان آن هستند. تجربه انقلاب بهمن ۱۳۵۷ نشان داد که در نبود یک جبهه واحد مردمی بدون برنامه مشخص، خطر به انحراف و سرانجام به شکست کشاندن جنبش های مردمی وجود دارد. نباید باردیگر اجازه داد تا این تجربه تلخ تاریخی تکرار گردد. بیایید دست در دست هم جبهه واحد ضد دیکتاتوری را برای طرد رژیم «ولایت فقیه» و در راه استقرار آزادی، استقلال و عدالت اجتماعی ایجاد کنیم. حزب توده ایران آماده است تا در تلاش برای یافتن راه های تحقق چنین خواست مهم و عاجلی، تمام توان و امکانات خود را به کار گیرد.

کنگره چهارم حزب توده ایران - بهمن ماه ۱۳۷۶

خلق قهرمان کوبا

خلق مبارز کوبا، ما نمایندگان چهارمین کنگره حزب توده ایران گرم ترین و پر شورترین دروهای خود را به شما خلق قهرمان کوبا و به حزب کمونیست پر افتخارتان تقدیم می کنیم و برای مبارزه شرافتمندانه شما با امپریالیسم بویژه امپریالیسم آمریکا، در راه بهروزی، نیک بختی، صلح و سوسیالیسم آرزوی پیروزی می نماییم.

مبارزه دشوار شما در شرایط تحمیل غیر انسانی محاصره اقتصادی توسط محافل هیأت حاکمه آمریکا در سالیان طولانی، امروز ابعادی بسیار فراتر از چارچوب جغرافیایی میهن تان، جزیره آزادی، یافته است و کلیه کارگران و زحمتکشان و سایر نیروهای مترقی در سراسر جهان ضمن ابراز همبستگی، با امید فراوان برای پیروزی تان، به آن می نگرند و از فرازهای حماسی آن الهام می گیرند.

شما با تحمل دشواری های فراوان در نبرد نابرابر با امپریالیست ها با از خود گذشتگی فراوان و قهرمانی های کم سابقه نشان می دهید که هیچ نیرویی قادر نیست شما را از راه مبارزه برای حفظ استقلال و آزادی در سوسیالیسم باز دارد. تلاش کم نظیر و شرکت گسترده شما در تدارک و برگزاری مراسم بزرگداشت و یادبود سی امین سال شهادت انقلابی فرزانه و مبارز نامدار ارنستو چه گوارا نمایش پر شکوهی از خواست و اراده شما به حفظ و گسترش انقلاب مردمی میهن تان و مهر تأییدی بر وفاداری تان به انقلاب و آرمان های خلقی آن است.

ما نمایندگان اعضاء و هواداران حزب توده ایران در گوشه ای دیگر از جهان پر آشوب کنونی در شرایط بسیار دشوار اختناق، دیکتاتوری و ترور رژیم «ولایت فقیه» مبارزه خستگی ناپذیری را برای آزادی و عدالت اجتماعی به پیش می بریم. برگزاری کنگره چهارم حزب ما نیز گام بزرگی در تعیین و تدقیق سیاست مبارزاتی و تجهیز امکانات و نیروی حزب در همین راستا است.

ما ضمن ابراز پشتیبانی از مبارزه شما، حزب کمونیست کوبا، و رهبر حزب رفیق فیدل کاسترو، دست در دست شما ندا سر می دهیم: «توده های متحد شکست نخواهند خورد!!»

زننده باد انترناسیونالیسم پرولتری
زننده باد همبستگی خلق های ایران و کوبا

کنگره چهارم حزب توده ایران
بهمن ماه ۱۳۷۶